

گفتگو با دکتر حسین خنیفر پژوهشگر برجسته دانشگاه تهران

دکتر حسین خنیفر در سال ۱۳۴۸ در شهرستان شوش دانیال (ع) در استان خوزستان به دنیا آمد. وی پس از طی دوره متوسطه در دبیرستان شهید مطهری وارد مرکز تربیت معلم بوشهر شد و سپس تحصیلات خود را در دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران در مقطع کارشناسی آغاز کرد و در نهایت با مدرک دکتری مدیریت و برنامه‌ریزی در تهران فارغ‌التحصیل شد و به طور هم‌زمان تحصیلات حوزوی خود را نیز به صورت متفرقه کامل نمود.

دکتر خنیفر پس از ۱۸ سال خدمت در آموزش و پرورش در سال ۱۳۸۳ به عنوان استادیار در دانشگاه تهران پذیرفته شد و با توجه به انبوه کتب و مقالات منتشره توانست در عرض سه سال به درجه دانشیاری و عضویت هیئت علمی (رسمی - قطعی) این دانشگاه و طی هشت سال به درجه استاد تمامی نائل آید.

عضویت در هیئت علمی دانشگاه تهران (پردیس فارابی)، شورای آموزشی دانشگاه جامع علمی کاربردی، شورای آموزش و پژوهش مرکز آموزش مدیریت دولتی استان قم، کمیته آمایش رشته‌ها در دانشگاه تهران، ریاست مرکز کارآفرینی پردیس فارابی، ریاست دانشکده مدیریت و حسابداری پردیس فارابی قم، تدریس در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه تهران، عضویت در شورای علمی سازمان (ISESCO) اسیسکو سازمان علمی، فرهنگی جهان اسلام Islamic Educational, Scientific and Cultural Organization مستقر در (Morocco) از جمله برخی از سوابق اجرایی و آموزشی ایشان است.

از آثار تألیف و ترجمه شده ایشان می‌توان به کتاب‌های، «مدیریت زمان از دانش تا روش»، «نظام پیشنهادها»، «روانشناسی کار»، «آموزش بودمانی از نظریه تا کاربرد»، «فنون تدریس»، «کارآفرینی در نظام ارزشی»، «باز کاوی مفهوم اعتماد سازی در سازمان»، «شهارت‌های زندگی»، «مدل سازی در علوم رفتاری»، «روانشناسی



صنعتی و سازمانی» و «استانداردسازی در آموزش» و ... اشاره کرد. که بالغ بر سی و دو کتاب تا سال ۱۳۹۲ است.

اجرا و تکمیل ۳۰ پروژه ملی و استانی در حوزه‌های مدیریت، سازمان، آموزش و پرورش، چاپ بالغ بر ۱۲۱ مقاله ثبت شده به زبان‌های فارسی، عربی، و انگلیسی و روسی در نشریات معتبر داخلی و خارجی؛ پژوهشگر برگزیده رتبه دوم و اول در «جشنواره بزرگداشت پژوهشگران برگزیده سال دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی» در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ و ارائه مقاله به زبان انگلیسی در کشورهای فرانسه، آلمان، آمریکا، سوئیس، ایتالیا، مالزی، مراکش، یونان، و ... از جمله فعالیت‌های این استاد ارجمند است. همچنین پایان‌نامه دکتری ایشان در سال ۱۳۸۰ در مراسم تحلیل دانشگاه‌های کشور در دانشگاه تربیت مدرس به عنوان پایان‌نامه برگزیده و ممتاز ملی شناخته و به دریافت لوح تقدیر و سکه و حج مفتخر شد.

استاد دستی هم در شعر و خطاطی دارد و اوقات فراغت خود را به مطالعه رمان و زندگینامه افراد موفق می‌گذراند تا به قول خودشان ضمن الهام گرفتن از زندگی آن‌ها بتواند اندکی از دشواری کارهای جدی‌تر زندگی بکاهد.

آقای دکتر شما بارها به عنوان پژوهشگر برجسته و نمونه در دانشگاه تهران و در دانشگاه‌های استان قم برگزیده شده‌اید دلیل این انتخاب چه بوده است؟

حضرت امام علی (ع) می‌فرمایند: لاسنه افضل من التحقیق؛ هیچ روشی بهتر از پژوهش نیست. سقراط حکیم می‌فرماید: حیات پژوهش نشده ارزش زیستن ندارد. و در سر در یکی از دانشگاه‌های آمریکا نوشته شده آموزش بدون پژوهش توقف در زندگی است.

این مبانی مخصوصاً مبانی نظام ارزشی و مبانی علمی رایج در جهان مبنای کار من قرار گرفت تا در کنار آموزش کار پژوهش را ادامه دهم و همین باعث تولید مقالات، کتاب‌ها، مشارکت در پروژه‌های ملی و محلی شد که تا کنون ۳۰ پروژه انجام داده‌ام که برخی از آن‌ها ملی هستند. مثل مشارکت در تدوین سند ملی آموزش و پرورش که بخش منابع انسانی آن را بنده انجام دادم و یا سند ترویج مدارس حوزه علمیه و تدوین راهنمای استاندارد مهارت محور برای طراحی شغل و شایستگی در سطح ملی برای وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و امثال این نوع فعالیت‌ها... ضمن اینکه بنده هم در کار گروه شورای عالی آموزش و پرورش و هم در کار گروه شورای عالی انقلاب فرهنگی و هم کار گروه شورای عالی حوزه، عضویت و همکاری مستمری داشته‌ام و در حال حاضر نیز همکاری دارم و در هیئت ممیزه دانشگاه تهران نیز عضویت و همکاری می‌کنم که البته این فعالیت‌ها ۸۰ الی ۹۰ درصد صیغه پژوهشی دارند.

از طرفی همواره احساس می‌کردم در کنار آموزش باید پژوهش باشد و بدون پژوهش ما نمی‌توانیم به تصمیم‌های خوبی برسیم. یک سال شعار پژوهش این بود: بدون پژوهش تصمیم‌گیری نکنیم. کشورهایی که بعد از جنگ دوم جهانی خیز برداشتنند و مثل ققنوس از خاکستر جنگ جهانی دوم برخاستند و امروز به عنوان کشورهای پیش‌رو در صنعت، خدمات و دانشگاه موفق هستند دو چیز را مطرح نظر قرار دادند: تقویت آموزش بالاخص آموزش عمومی (یا بن‌بایه‌ها که اصطلاحاً گذرنامه زندگی است) و سپس پژوهش که خروجی و مرحله محصول‌گرایی آموزش است و سوق دادن پژوهش به سمت بومی‌گرایی، از زاویه نگاه جهانی به سمت نگره بومی و محلی. به همین دلیل شعارهایی مثل با در امکانات و نگاه در ایده‌آل طرح می‌شود و یا جهانی بیندیش بومی عمل کن و سپس جهانی عرضه کن. این‌ها شعارهایی است که بار معنایی فلسفی دارد، یعنی: اگر ملتی بخواهد رشد کند، راهی جز عبور از آموزش و پاگذاستن به منصفه پژوهش و خلق و آفرینش وجود ندارد. این مبانی باعث شد که بنده حتی در کنار مسئولیت‌هایی که داشتم و تدریس در چهار مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری و حتی مجازی، همیشه حناقل هر ماه یک مقاله چه داخلی و چه خارجی داشته باشم. سعی من بر این بود که بیشتر به موضوعاتی ورود کنم که کمتر کار شده است. مثل بحث نظام ارزشی، بحث‌های میان رشته‌ای مثل روان‌شناسی و مدیریت که مقاله‌های فلات شغلی و بازگویی سی ساله آثار مدیریت اسلامی از آن دسته هستند و در وب سایت شخصی بنده بیش از دویست مقاله را به صورت تمام متن (Full Text) بارگذاری کرده‌ام.

این مبانی باعث شد که بنده پژوهش را مهم بدانم. نکته مهم دیگر تدریس بوده است. سعی کرده‌ام هیچ گاه کار کپی از دانشجویانم نگیرم. آن‌ها را تشویق می‌کنم که خودشان باشند و قلم دیگران را به نام خود مصادره نکنند. حتی اگر کار ناقص به من تحویل بدهند، بهتر است تا اینکه از

خود آغاز گری، باور به موفقیت، و به چنگ آوردن خورشید در ذهن کارآفرین می‌درخشد. کارآفرین برنامه پیچیده‌ای در ذهن خود از نظر روان‌شناسی می‌چیند و به صورت نامرئی باور دارد که انسان بدون برنامه انسان بدون کارنامه است و انسان که برنامه و کارنامه نداشته باشد فاقد برج مراقبت زندگی است

وب سایت‌ها کمی برداری کنند. دانشجویانی که در مرحله تحصیلات تکمیلی با من در ارتباط هستند می‌دانند زمینه کار من پژوهش است. مخصوصاً در میان رشته‌ها. سال گذشته پژوهشگر نمونه و امسال هم پژوهشگر برجسته شدم و دو سال منوالم قبل از ورود به دانشگاه تهران پژوهشگر رتبه اول و دوم وزارت علوم شدم و چند سال هم در بین دانشگاه‌های استان قم به عنوان پژوهشگر برتر برگزیده شدم که اولاً و در اصل لطف خداوند بوده و در نهایت باور بنده به پژوهش و ورود به موضوعات جدید و میان رشته‌ای و سعی در آزمودن موضوعات روز بوده است.

با توجه به اهمیت پژوهش که شما درباره آن سخن گفتید آیا می‌توان گفت که پژوهش به آموزش اولویت دارد؟

آغاز کار با آموزش است و پژوهش خوب محصول آموزش عمیق است. دوره دکتری دوره محصول‌گرایی است. اگر کسی دوره کارشناسی خود را به خوبی بگذراند اگر ادامه تحصیل هم ندهد، می‌تواند آدم موفق شود. آموزش خوب پژوهشگر آینده را رقم می‌زند به شرطی که تام و تمام تئوری‌ها و نظریه‌ها را یاد بگیرد. شاید حکمت طولانی بودن دوره کارشناسی و کنارت واحدها به همین دلیل است. دانشجوی باید با کلیه مبانی و اصول علمی میان رشته‌ای آشنا شود و بعد به سمت پژوهش برود و خوشا به سعادت دانشجویانی که در کنار رشته تخصصی خود به رشته‌های مجاور و رشته‌های خوشه حوزه خود اعمان نظر داشته باشند و بعدها بتوانند در رشته‌های میان رشته‌ای و مرزهای دانش حرکت کنند.

شما به عنوان استاد و رئیس دانشکده مدیریت ارتباط خود را با دانشجویان چگونه می‌بینید؟

اکثر دانشجویان ما به معنی واقعی دانشجوی هستند. این بسیار موثر است که گاهی صحبت من استاد جهت دهنده باشد. من ارتباط کلامی و انگیزاننده به سمت پژوهش بسیار زیادی با دانشجویان دارم. در محوطه، مسجد، کلاس و کربدورهای دانشگاه بعضی از روزها ساعت‌ها به دانشجویان اختصاص دارد. ۵۰ درصد مراجعات به بنده برای نگاشت مقاله، پروژه‌های تحقیقاتی برون سازمانی، درخواست کارگاه‌های آموزش و پایان‌نامه‌ها و رساله‌هاست. به همین دلیل بسیاری از پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری را به کتاب تبدیل کردیم که آخرین آن‌ها کتاب عدالت زبانی است که مستخرج از رساله دکتری است. و دومی کتاب بازسازی اعتماد حاصل پایان‌نامه کارشناسی ارشد است. از این نظر این ارتباط هم به ما جهت داده و هم انگیزه برای دانشجویان ایجاد کرده است. دانشجوی کوزه‌های لبریز از سوال و کوهی از انگیزه است. دانشجوی مانند آب روانی است که استاد می‌تواند به آن جهت دهد و سرزمین را آباد کند. نقش استاد جهت‌دهندگی به انرژی‌های پنهان و انرژی‌های علمی دانشجوی است. دانشجوی یک دشت پنهان است اگر خوب جهت داده شود، می‌تواند به مزرعه عالی محصول در آینده تبدیل شود. در بار آوری نسل تشنه و پرسشگر باید به افق‌ها نگرست. کسی که به کوه نگاه کند نگاهش به آسمان کشانده می‌شود و کسی که به آسمان نگاه کند به کمتر از ستاره قناعت نمی‌کند.

دانشجویان گروه حقوق یا من صندلی داغ داشتند. در این جلسه بحثی داشتیم با عنوان "سین

دوره دانشجویی دوره طلایی است" که این سین حاصل انتخاب‌های بزرگ و فرصت‌های مغتنم است. اگر کسی از این دوره که گاهی تا سنین ۲۸-۲۷ سالگی ادامه دارد استفاده کند خود را تفسیر خواهد کرد. انسان محصول دو چیز است: فرصت‌ها و انتخاب‌ها. گاهی نقش استاد در پایتخت دانش که کلاس است انتقال تجارب است و صرفاً تنها انتقال آموخته‌ها و مسائل نیست. بنده گاهی ده دقیقه کلاس را به سمت مباحث واقعی مرتبط با درس در صحنه عینی جامعه می‌برم. خود دانشجوی نیز طالب است و حتی مبانی علمی درس را در جامعه برایشان می‌گوییم.

دانشجو تشنه آموختن است. اگر صادقانه مسائل را با دانشجوی طرح کنیم، دانشجوی می‌پذیرد. دانشجوی نیاز به امید و انگیزه دارد. سیاه نمایی، بدگویی و بدبینی، یاس و استفاده از افعال منفی برای دانشجوی سم است. نظام دانشگاهی ما و حوزه ارتباط با دانشجوی نیاز به افعال مثبت و افق‌های روشن دارد. سه افق را همیشه به دانشجوی پیشنهاد می‌کنم که در کتاب جوان در آینه جهان به آن‌ها اشاره کرده‌ام: افق دور، افق باز و افق روشن. افق دور، یعنی: دور دست‌ها را ببینید. از نیوتن پرسیدند چگونه به این جایگاه رسیدی؟ پاسخ داد: بر شانه غول‌ها ایستادم و دور دست‌ها

دانشجو یک دشت پنهان است
اگر خوب جهت داده شود، می‌تواند
به مزرعه عالی محصول در آینده
تبدیل شود. در بار آوری نسل تشنه
و پرسشگر باید به افق‌ها نگرست.
کسی که به کوه نگاه کند نگاهش
به آسمان کشانده می‌شود و کسی
که به آسمان نگاه کند به کمتر از
ستاره قناعت نمی‌کند



دانشجو نیاز به امید و انگیزه دارد. سیاه نمایی، بدگویی و بدبینی، یاس و استفاده از افعال منفی برای دانشجو سم است. نظام دانشگاهی ما و حوزه ارتباط با دانشجو نیاز به افعال مثبت و افق‌های روشن دارد

را نشانه رفتن یعنی با انسان‌های اندیشمند معاشرت کردم و از آن‌ها آموختم). افق باز، یعنی؛ محدود نگاه نکنید. وسعت دید داشته باشید. به قول آندره ژید: عظمت در نگاه تو باشد نه در آنچه می‌نگری و نگاهت را به فراسوی پدیده‌ها امتداد ببخش تا چیزهایی ببینی که دیگران از رویت آن عاجزند.

افق روشن، یعنی؛ در ابهام و مه‌آلودی اطلاعات حرکت نکنید، زود قضاوت نکنید، حرف آخر را اول نزنید، در برابر اولین یافته یا شنیده‌ها فریفته نشوید.

باز به دانشجویان می‌گویم که دنیای IT دنیای لذت و دنیای قتل فرصت‌هاست. به جای ولگردی در اینترنت وب گردی کنید و به سمت اطلاعات مورد نیاز و بالنده بروید.

شما یک روان‌شناس و کارآفرین موفق هستید ارتباط بین این دو رشته را چطور تفسیر می‌کنید؟

امر شگفتی که در بین کارآفرینان وجود دارد قواعدی است که برای انسان انگیزه‌مند در روان‌شناسی خط‌کشی می‌شود. جالب است که این افراد ریسک‌پذیر، سحرخیز و سخت‌کوش هستند. آدم‌های غیر محتکری هستند. ایجادکننده‌ی فرصت شغلی هستند نه اشتغال. همه این ویژگی‌ها برخاسته از دانش روان‌شناسی است. تیپ شخصیتی کارآفرین تیپ روان‌شناسانه مثبت است. مهم‌ترین عنصر در ذهن کارآفرین امید و عدم احساس شکست است؛ دوباره شروع می‌کنم. دوباره آغاز می‌کنم. می‌شود، راهی هست. موفق می‌شوم. ادامه می‌دهم. این کلید واژه‌های کارآفرین خودساخته و به افق‌ها دیدگان دوخته است.

او حتماً در اوج شکست به فکر نقشه بعدی است. در داستان ادیسون هم که یک کارآفرین و مخترع است می‌بینیم که بعد از ۹۹۹ بار آزمایش کسی به او می‌گوید که آیا کافی نیست و او می‌گوید خیر. این اشتباهات نشان می‌دهد که باز هم راهی هست. یا زمانی که آزمایشگاه او آتش گرفت در همان لحظه فرزندش نگران وارد می‌شود. پدر به او می‌گوید به این آتش نگاه کن و بین ترکیب رنگ‌ها چه آتش زیبایی ایجاد کرده است. فرزندش می‌گوید: تمام هستی ما سوخت و او می‌گوید مهم نیست ما روی همین خرابه‌ها شروع می‌کنیم و می‌افزاید: با این آتش همه اشتباهات ما هم سوخته. این نگاه روان‌شناسانه است. نگاهی که با امید و خلق دوباره می‌نگرد اگر قرار باشد کارآفرین تمام امکانات را داشته باشد، یک رابط است، ولی اگر قرار باشد از هیچ‌چیز بسازد، مجموعه‌ای را چابک کند و مکانی را به گلستان تبدیل کند و فرهنگستان یادگیری راه بیندازد آن وقت می‌گویم کارآفرین جمهوری علم ایجاد کرده است. از این نظر ویژگی‌های مثبت تیپ‌های شخصیتی روان‌شناسی با تیپ کارآفرین سازگاری دارد. چون در ساقه‌ی وجودی کارآفرین مورینه تردید رخنه نکرده است. خود آغازگری، باور به موفقیت، و به جنگ آوردن خورشید در ذهن کارآفرین می‌درخشد. کارآفرین برنامه پیچیده‌ای در ذهن خود از نظر روان‌شناسی می‌چیند و به صورت نامرئی باور دارد که انسان بدون برنامه انسان بدون کارنامه است و انسان که برنامه و کارنامه نداشته باشد فاقد برج مراقبت زندگی است. انسان‌های غیر کارآفرین مردد، غیر جسور، ساکن سرزمین سوخته آرزوها هستند. به همین دلیل جوزف مورفی می‌گوید: آینده از آن افراد مصمم و دارای سرعت عمل است و گر نه افراد مردد آن قدر طول می‌دهند که همه چیز دیر می‌شود. فرصت شلن همیشه فراهم است و درنگ در خوبستن جایز نیست. تردید سم است. امام علی (ع) می‌فرماید: تردید گذرگاه خوبی است، اما توقفگاه خوبی نیست. کارآفرین در شرایط ابهام و تردید و تصمیم ریسک منطقی می‌کند.

شما در زمینه مدیریت زمان بسیار کار کرده‌اید اگر ممکن است راجع به این مقوله و اهمیت برنامه‌ریزی سخن بگویید؟

بله من مدت ۲۰ سال کتاب‌های مدیریت زمان از لوتار جی سی ورت تا تریسی و حتی کتاب‌های قدیمی‌تر و نظام دینی و ارزشی و تفاسیر قرآن را مشاهده کرده بودم. ولی یک اشکال وجود داشت و آن این بود که بسیاری از کتاب‌های غربی کتاب‌های بومی نبودند. یکی از مشکلات ما این است که ترجمه‌گرایی صرف باعث عدم تولید دانش بومی بنیان شده است. من تصمیم گرفتم این خلأ را پر کنم به همین دلیل کتابی چاپ کردم با عنوان مهارت‌های مدیریت زمان از دانش تا روش. در این کتاب از برنامه‌سوزی به برنامه‌روزی و سپس به برنامه‌ریزی و در آخرین سطح از برنامه‌پژوهی سخن گفته شده است.

۱- برنامه‌سوزها چه کسانی هستند؟ کسانی که منتظر اتفاقات هستند و فرصت‌ساز نیستند همیشه با حسرت به پل‌های گذشته نگاه می‌کنند که عبور نکرده‌اند.

افق روشن، یعنی؛ در ابهام و مه‌آلودی اطلاعات حرکت نکنید، زود قضاوت نکنید، حرف آخر را اول نزنید، در برابر اولین یافته یا شنیده‌ها فریفته نشوید.

۲- برنامه‌روها هم مصداق این شعر هستند: چو فردا شود فکر فردا کنیم، نوعی نگاه کوتاه‌بینانه دارند. این‌ها مروارید صید نخواهند کرد. فرخزاد می‌گوید: از جویبار حقیری که به چاله می‌ریزد مروارید صید نخواهی کرد.

۳- برنامه‌ریزها کسانی هستند که آینده را در مشت خود می‌بینند و برای ماه‌ها و سال‌های بعد قله برای فتح تعریف می‌کنند.

وقتی تقویم شهید بهشتی را پیدا می‌کنند می‌بینند برای ۷-۸ ماه آینده برنامه مشخص داشتند. ممکن است این برنامه‌ها عوض شود، ولی همین که آدم می‌داند چه باید بکند ۳۰ درصد باعث آرامش فرد می‌شود. در روایت معصوم آمده است: رحم الله امرأ عرف من این فی این الی این "خدا رحمت کند کسی را که می‌داند از کجا آمده چه می‌کند و به کجا می‌رود. به همین دلیل بحث عمیق‌تری به نام فرازمان‌نگری به میان می‌آید. در حال حاضر در برنامه برخی کشورها مثل آلمان آمده تا ۲۰۳۰، یعنی؛ این کشور تا سال ۲۰۳۰ برنامه دارد. یا مالزی تا ۲۰۲۰ و انگلستان تا ۲۰۵۰ این یعنی این کشورها در زمینه اشتغال، آموزش، صنعت ارتباطات و رقابت افقی‌های دور را با فرض احتمالات رکود و شکست جستجو می‌کنند.

مگر ما از چند تاییه دیگر خود خبر داریم؟ ولی موظفیم جاودانه فکر کنیم. امام صادق (ع) که یک کارآفرین و یک فعال اقتصادی بود حلقه چند هزار نفری دانشجوی، مزرعه و باغ و دامداری داشتند و تا آخر عمر ده‌ها خانوار فقیر را تأمین می‌کردند. ایشان می‌فرمایند کن لدنیاک کانک تبقی فیها ابدا و کن لآخر تک کانک تموت غدا برای دنیای خود به گونه‌ای بزی که گویی جاودانه‌ای و برای آخرت خود به گونه‌ای بیندیش که گویی روانه‌ای. این بحث مغز برنامه‌ریزی است.

بیش از هفتاد آیه قرآن درباره مدیریت زمان است. نباید غافل شویم که ۹۰ درصد آیات قرآن ناظر به زندگی است و ده درصد جهاد و مبارزه است که آن‌ها هم ناظر به زندگی است.

به عنوان استاد کارآفرینی و روش تحقیق و روانشناسی کار چه توصیه‌ای برای توسعه کشور دارید؟

کشور ما کشور شگفتی است. کشوری که از لحاظ مساحت ۲۳ کشور در آن جای می‌گیرد. ۵۳ ماده معدنی و عنصر در آن وجود دارد. طلای سیاه، طلای سفید، طلای نامرئی (گاز)، طلای سرخ (زعفران)، طلای زرد (گندم)، و طلاهای دیگر به وفور در آن یافت می‌شود. ما جزو ده کشور برتر از نظر IQ (هوشمندی) هستیم.

پس به راستی مشکل کجاست؟

شاید در چند کلمه: زوده‌ها وصل به معده نفت است و گرنه اراده ایرانی و توان پنهان دانشجوی نخیه و تیزی ذهن ایرانی زبانزد دانشگاه‌های عالم است. بسیاری از جوانانی که تجربه تحصیل و یا کار در غرب و دنیای دیگر را داشته‌اند به سرعت توان‌های خود را به نمایش گذاشته‌اند. ما کشور خوبی داریم و مردمان خوب که نیاز به برنامه‌های خوب دارند. دانشگاه‌های ما باید از آموزش‌های نظری صرف به سمت مهارت حرکت کنند.



به مرحله‌ای از رشد برسند که آغازگر باشند، خلاق ظاهر شوند و جوهر وجودی خود را به نمایش بگذارند و تا ابد پیرو و دنباله‌رو باقی نمانند و در نهایت می‌گوییم: ای جوان خودت باش. جهان، اصالت را ستایش می‌کند

توصیه بنده به جوانان جویای کار و فعالیت اولاً حرکت به سمت میان رشته‌ای‌ها و کارآفرینی و همچنین کسب و کارهای کوچک و فرصت‌آفرینی است و جالب است که دنیای فرار و فوق‌العاده متحول خواهد شد



به فرموده مقام معظم رهبری ما به موازات علم و دانش به پنجه‌های کارآمد نیاز داریم. آدم آچار به دست کم داریم. در دنیا مشهور است که ایرانی‌ها از لحاظ نظری حدود یک ماه از دنیا عقب هستند. چون با هر شگردی به متون جدید دسترسی پیدا می‌کنند. اما در مرحله تبدیل دانش به عمل، پژوهش به اجرا و مهارتی کردن دانش کاهلند و گاهی این فاصله هشتاد-نود ساله است و این پاشنه آشیل ماست.

از آخرین وصیت‌های امام علی (ع) به امام حسن مجتبی (ع) علاوه بر پرهیزگاری نظم و برنامه‌ریزی است: لذا فرمودند: اوصیکم بتقوی الله و نظم امرکم نظم در کارها و داشتن نظام فکری دقیق عامل توفیق است.

چه توصیه‌ای برای جوانانی که به دنبال فرصت شغلی هستند دارید؟

دنیای جدید دنیای شگفتی‌هاست. عصر تغییر و پایان اشتغال رسمی است. توصیه بنده به جوانان جوانی کار و فعالیت اولاً حرکت به سمت میان رشته‌هایها و کارآفرینی و همچنین کسب و کارهای کوچک و فرصت‌آفرینی است و جالب است که دنیای فرارو فوق‌العاده متحول خواهد شد. از مهم‌ترین فرصت‌های شغلی پانزده سال آینده سال (۲۰۳۰ به بعد) می‌توان به مشاغل ذیل اشاره کرد:

مدیر مشاور زمان و برنامه‌ریزی، مشاور در بازیابی قدرت سازمان، مشاور سلامتی جسمی سالمندان، مشاور سلامتی روانی سالمندان، معمار دیجیتال، پرستار سالمندان، مشاور تفریحات بین‌المللی، کشاورزی عمودی، جراحی افزایش حافظه، طراح برنامه‌های مهندسی مهد کودک، داروساز شخصی، سازنده اجزای بدن، نانو پزشکی، مدیر برندینگ پزشکی، کنترل کننده شرایط جوی، مدیریت اطلاعات اضافی و...

در پایان اگر سخن دیگری باقی مانده است؟

یک خواهش ملت‌سازانه و متواضعانه از استادان تمام رشته‌ها که عصاره علمی و ملی هستند دارم و آن این است که در کلاس‌های فاخر خود که حاصل عمری دود چراغ خوردن و تلاش شبانه‌روزی است دقایقی را به انتقال تجارب و مباحثه رو در رو درباره امور غیر درسی و نصیحت‌های هم‌دلانه و نه مواخذه‌های حقیرانه اختصاص دهند. برای آن‌ها خاطرات عمیق، جهت دهنده و انگیزاننده به جا بگذاریم، زیرا دنیای بعد از ما را با این خاطرات مرور خواهند کرد. چون در دنیا مشهور است که دانش آموز و دانشجو روح ملی هستند. و در حقیقت اینان پادشاهان مملکت هستند. اگر بخواهیم آینده این مملکت را ببینیم، در چهره، ذهن و اندیشه این‌ها بنگریم و اگر بخواهیم آینده این مرز و بوم را بسازیم توان، شخصیت و استعداد آن‌ها را به قدرت برسانیم. باید با این نسل ارتباط برقرار کنیم و خودمان هم به روز شویم. دنیای امروز منتظر کسی نمی‌ماند و هیچ آسانسوری هم منتظر صعود کسی نیست. پله پله باید رشد کرد و رشد داد. به قول حسین منزوی چه سرنوشت غم‌انگیزی که گرم کوچک ابریشم یک عمر قفس می‌ساخت، ولی به فکر پریدن بود. به آن‌ها تاکید کنیم که هیچ آسانسوری منتظر کسی نیست باید مسیر رشد را پله به پله و با عرق ریختن و جد و جهد طی نمود. به مرحله‌ای از رشد برسند که آغازگر باشند، خلاق ظاهر شوند و جوهر وجودی خود را به نمایش بگذارند و تا ابد پیرو و دنباله‌رو باقی نمانند و در نهایت می‌گوییم: ای جوان خودت باش. جهان، اصالت را ستایش می‌کند. به جوان، جوان نگوید، بلکه بگویند جهان، آن هم جهانی از توان بی‌پایان.

با تشکر از اینکه در این گفتگو شرکت کردید.

گفتگو: لیلا احمدی

دنیای امروز منتظر کسی نمی‌ماند و هیچ آسانسوری هم منتظر صعود کسی نیست. پله پله باید رشد کرد و رشد داد